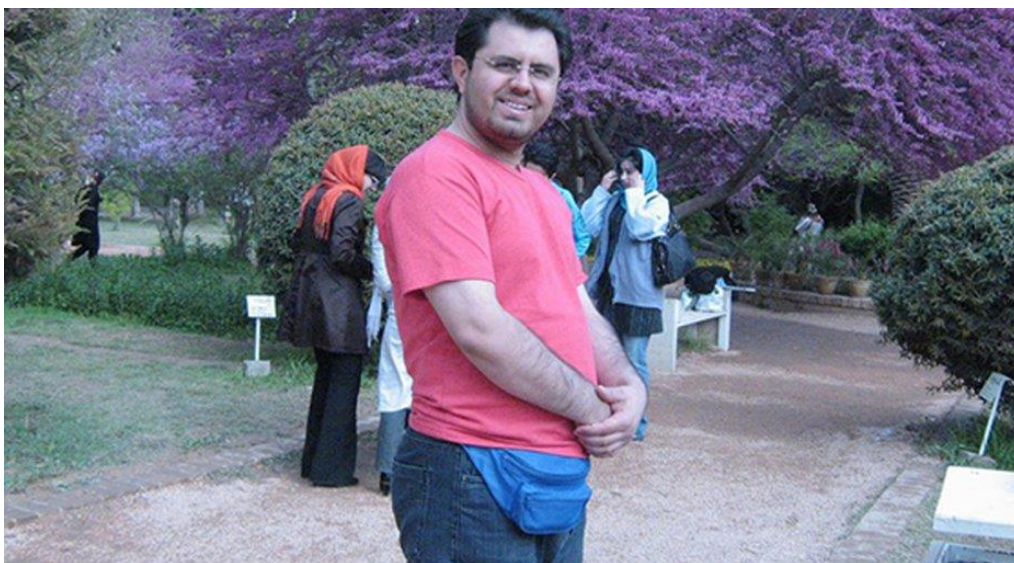


ایران و ائتلاف های نوظهور خاورمیانه



سه‌شنبه، 7 آوریل 2015

احمد هاشمی، کارمند سابق وزارت خارجه

در میان کارشناسان علم جغرافیا، اتفاق نظری درباره چپستی و مرزهای دقیق واحد جغرافیایی موسوم به "خاورمیانه" وجود ندارد: برخی ترکیه، افغانستان و همه کشورهای شمال آفریقا را هم جزئی از آن به حساب می آورند و برخی نه. همین ابهام و اختلاف، در تشکیل پیمان ها و کارزارهای منطقه ای هم مشاهده می شود، بطوریکه در حال حاضر، خاورمیانه با موج بی سابقه ای از تحولات، ائتلاف ها و صف بندی های جدید، شکننده و متناقض روبرو است.

رقص تانگوی ایران و آمریکا

یکی از تحولات شگرفی که در سال های اخیر، بسیاری از معادلات خاورمیانه را بر هم زد آغاز روند مذاکرات مستقیم میان ایران و آمریکا بود: در حالی که جمهوری اسلامی بویژه پیش از سر کار آمدن دولت حسن روحانی، هر گونه مذاکره مستقیم با به اصطلاح شیطان بزرگ را جزء خطوط قرمز سیاست خارجی خود تلقی می کرد، اکنون وزرای خارجه ایران و آمریکا بیش از هر دیپلمات ارشد دو کشور دیگر با یکدیگر ملاقات و در خیابان های شهرهای اروپایی پیاده روی می کنند.

دولت باراک اوباما، نقش آفرینی ایران را لازمه تحقق دو هدف عمده سیاست خارجی آمریکا یعنی مبارزه با تروریسم و حل و فصل برنامه هسته ای می داند و به نظر می رسد با موفقیت نسبی اخیر در مذاکرات هسته ای، مسیر دستیابی به این دو هدف هموارتر خواهد شد. البته نزدیکی اوباما به ایران به بهای سنگینی صورت گرفته چرا که این همکاری، خشم جمهوری خواهان در کنگره و نگرانی شدید متحدان نزدیک آمریکا از قبیل اسرائیل، عربستان، ترکیه و حتی کشورهای اروپایی

از جمله **فرانسه** را – که امریکا را به شتابزدگی و وادادگی در مقابل ایران متهم کرده - به همراه داشته است.

نشانه ها، حکایت از آن دارد که اوباما از سیاست خارجی پیشین آمریکا در خصوص حمایت تمام عیار از متحدان سنتی عرب و اسرائیل فاصله گرفته و اولویت سیاست خاورمیانه ای خود را بر روی مبارزه با گروه های تندرو از قبیل داعش، جبهه نصرت و القاعده قرار داده است. به نظر می رسد پس از اکتشافات جدید نفتی در سال های اخیر در آمریکا و کاهش وابستگی این کشور به نفت کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس و همزمان با تلاش برای خارج کردن سربازان آمریکایی از منطقه، اوباما مایل است بدون در نظر گرفتن وضعیت نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم و ملاحظات دیگر، همان نقشی را به جمهوری اسلامی واگذار کند که ایران در دوران دومین پادشاه پهلوی ایفا می کرد.

البته سیاست های مداخله جویانه و فرقه گرایانه ای که تهران در منطقه در پیش گرفته به حرکت بر روی طناب بندبازی می ماند و افزون بر این، در صورتیکه مذاکرات هسته ای و برنامه مبارزه با داعش راه به جایی نبرد، این ناکامی هم برای جمهوری اسلامی و هم برای دولت اوباما بهای گزافی خواهد داشت.

لاس زنی سیاسی اسرائیل و القاعده

شاید تا سه چهار سال پیش حتی تصور هر نوع همکاری ضمنی و عدم مخاصمه میان شبه نظامیان اسلامگرا و اسرائیل غیرممکن می نمود. با این وجود، کارزارهای چند لایه و دوستی ها و دشمنی های در حال تغییر در منطقه به حدی سریع و حیرت آور است که بر پایه اطلاعات و اخبار موجود **(از جمله این مجموعه ویدیو)**، مداوای بسیاری از اعضای جبهه نصرت، (شاخه القاعده در سوریه) در بیمارستان های اسرائیل انجام می گیرد. البته این رویکرد اسرائیل بیشتر از آنکه دستاویزی برای پردازش تئوری های توطئه شود از عملگرایی اسرائیل در جهت تضعیف دشمن سرسخت خود یعنی دولت بشار اسد و از حرکتی تاکتیکی سرچشمه می گیرد و اسرائیل می داند بلافاصله پس از اینکه جبهه نصرت از جنگ با نیروهای دولتی سوریه فارغ شود جهت لوله تفنگ خود را به سمت اسرائیل نشانه خواهد گرفت.

همپالگی ترک ها و کردها

ترک ها و کردها در طول تاریخ معاصر، روابط پر افت و خیز و اغلب خصومت آمیزی داشته اند. ترک ها، ملی گرایی کردی را به عنوان بزرگ ترین خطر برای تمامیت ارضی خود تلقی کرده و کردها هم ترک ها را بزرگ ترین مانع تحقق رویای تشکیل کشور مستقل کردستان به حساب آورده اند. همین نگرانی و عدم اعتماد متقابل باعث شد با قدرتیابی داعش در عراق و سوریه و بویژه تحولات کوبانی، آنکارا در موقعیت دشواری قرار بگیرد. ترکیه که از بلندپروازی های کردستان عراق در هراس بود؛ تحمل کردستان دیگری در شمال سوریه را که توسط یک گروه نزدیک به پ ک ک (حزب کارگران کردستان ترکیه) اداره شود نداشت. از این رو، با وجود همه انتقادات و فشارهای بین المللی، ترکیه ترجیح داد در نبرد میان داعش و کردها بیشتر نظاره گر در هم کوبیده شدن کردها در عراق و سوریه باشد.

با این وجود، اکنون این معادله دچار تغییر شده و ترکیه با فاصله گرفتن از موضع پیشین خود نسبت به داعش، به کردهای عراق نزدیک شده و حتی با شاخه سوری پ ک ک هم وارد تعامل شده است. اجازه عبور پیشمرگه های کرد عراقی از خاک ترکیه به مقصد کوبانی در شمال سوریه، ارائه آموزش نظامی به پیشمرگه ها و هماهنگی با نیروهای موسوم به یگان های مدافع خلق (همپیمان پ ک ک در سوریه) برای تغییر محل مقبره "سلیمان شاه" از منطقه تحت کنترل داعش به منطقه تحت نفوذ کردها در شمال سوریه برخی از نشانه های تغییر سیاست ترکیه در قبال کردها است.

از شعار وحدت تا تقویت فرقه گرایی

جنگ فرقه ای در عراق، سوریه و یمن، همراه با تنش های فزاینده میان شیعیان و سنی ها در عربستان، بحرین و لبنان، شکاف شیعه- سنی را بیش از پیش تشدید کرده است. بطوریکه در این کارزار بزرگ فرقه ای، کشورهای سنی مذهب با کنار گذاشتن اختلافات و رقابت های درونی، جوامع شیعه به رهبری ایران را به عنوان دشمن و چالش مشترک به حساب آورده اند. در این کارزار، ایران با اتخاذ رویکرد شیعه محورانه، وارد بازی خطرناکی شده که می تواند خصومت و صف آرایی کشورهای مسلمان سنی را در مقابل خود ببیند. در این چارچوب دیده می شود کشورهای سنی برای مقابله با خطر به اصطلاح توسعه طلبی شیعی به رهبری ایران، گرد هم آمده و در این راستا، ترکیه و قطر با کنار گذاشتن حمایت خود از جنبش اخوان المسلمین، به نزدیکی و همپیمانی با مصر و عربستان رو آورده اند.

تردید وجود ندارد که خاورمیانه بیش از هر زمان دیگری در حال کوبیدن بر طبل ناشکیبایی و فرقه گرایی است و در حالیکه داعش، هر گروه قومی و مذهبی به غیر از عرب های سنی وفادار به خود را گردن می زند، متقابلاً بر طبق آمارهای موجود، محله های سنی نشین بغداد در حال آب رفتن هستند و در مواردی در استان های صلاح الدین و دیاله، مناطق سنی نشین و شیعه نشین با حفر خندق و موانع دیگر از هم تفکیک شده اند. سال گذشته **دیدبان حقوق بشر** از موارد تخریب گسترده و سوزاندن خانه های سنی ها در استان صلاح الدین توسط شبه نظامیان شیعه خبر داد و به گزارش **عفو بین الملل**، در بسیاری از مناطق دارای ترکیب جمعیتی مختلط، شبه نظامیان شیعه اجازه بازگشت سنی ها به خانه هایشان را نمی دهند. همینطور در کرکوک، کردها به بهانه تامین امنیت، از بازگشت عرب های سنی به این شهر جلوگیری می کنند.

به نظر می رسد فضای غبارآلود حاکم بر منطقه خاورمیانه و سست شدن ائتلاف های گذشته، کمک کرده تا ایران از انزوا خارج شده و با دست زدن به اقدامات ماجراجویانه در عراق، سوریه، یمن و دیگر کشورها نسبت به رقبای منطقه ای خود یعنی اسرائیل، ترکیه، عربستان و مصر، دست بالا را داشته باشد؛ با این وجود، پس از فرو نشستن این غبار، ایران تنها با فاصله گرفتن از ماجراجویی های نظامی سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی و در پیش گرفتن دیپلماسی هسته ای و منطقه ای هوشمندانه است که می تواند فضای رقابت، دشمنی و فرقه گرایی را به همکاری و همپیمانی تغییر داده و تهدیدها را به فرصت تبدیل کند.

<http://iranwire.com/blogs/6272/6760/>